

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اما نوع سوّم: آنجا که شرط برای مکلف به و مأموره و متعلق تکلیف است، مثل غسل شب برای مستحاضه کثیره: اینجا جمع کثیری از فقهاء فتوی داده‌اند که صحّت روزه این زن منوط به تحقق غسل در شب است و غسل شب عنوان شرط متأخر دارد برای صحّت روزه امروزی که گذشت، یعنی: شرط برای این مأموره و مکلف به است. ذی‌المقدمه: امروز است ولی مقدمه و شرط در شب است و علّت از معلول مؤخر است.

برای حلّ مشکل در اینجا می‌فرمایند: ما باید شرط مأموره را تفسیر کنیم. يك شیء اگر بخواهد شرط برای مأموره و مکلف به باشد ملاک و تفسیرش چگونه است؟ آیا نفس همان غسل خارجی در شب با وجود خارجی‌اش شرط برای روزه است یا این که شرط در باب مأموره تفسیر دیگری دارد؟

آخوند تحقیقی در اینجا دارد و می‌گوید که قبل از ما کسی این تحقیق را ارائه نداده است، البته از باب خودستایی نیست؛ بلکه از جهت امر به دقت است که این مطلب جدید است و لازم است که در آن تأمل و دقت بیشتری شود.

اما تحقیق آخوند: يك مقدمه‌ای لازم دارد و آن این است که حسن و قبح اشیاء سه قسم است:

- 1- اگر يك شیء، علّت تامه برای حُسن شد این را حُسن ذاتی گویند، مثل عدالت که همیشه علّت تامه برای حُسن است.
- 2- حسن و قبح اقتضایی: آنجایی که يك شیء اگر مانعی در کار نباشد مقتضی حُسن و قبح است، مثل صدق و کذب که صدق اگر مانع و عنوان دیگری در کار نباشد: حسن است، ولی اگر در موردی راست گفتن موجب قتل نفس محترمی می‌شود، صدق قبیح می‌شود.
- 2- حسن و قبح اشیاء، بالوجه والاعتبارات است، یعنی: نه حسن ذاتی داریم و نه حسن اقتضایی؛ بلکه اشیاء به وجوه و اعتبارات، مختلف هستند مثلاً ضرب به اعتبار تأدیب، حسن است و به اعتبار اذیت، قبیح است.

- بعد از این مقدمه آخوند می‌فرماید: اگر يك شیء بخواهد شرط مأموره - شرط واجب، شرط مکلف به - قرار بگیرد باید در اثر انتساب و اضافه مأموره به آن شیء خصوصیتی در مأموره ایجاد شود که به سبب آن خصوصیت، مأموره عنوان و وجه پیدا کند. اگر شیء چنین بود که مأموره در اثر اضافه به آن شیء متصف به حُسن شود یا متصف شود که مفید غرض مولى است، این چنین شیء‌ای شرط مأموره است.

پس شرط مأموره حقیقتش همین اضافه است و این که صوم، بالاضافه به غسل، مأموره می‌شود و این که شرط همان وجود

خارجی غسل نیست؛ بلکه این اضافه - که شرطِ مأموریه حقیقتش همین اضافه است - شرط مأموریه است، کما این که در بحث اجازه در بیع فضولی می‌گفتند که اجازه، شرط صحّت بیع نیست؛ بلکه شرط، همان تعقّب اجازه است که امر انتزاعی است، برای این که گرفتار شرط متأخّر نشوند.

در مانحن‌فیه مرحوم آخوند می‌فرماید: شرط، خود آن غسل خارجی نیست؛ بلکه شرط، اضافه بین مأموریه و آن شیء است، یعنی: این ارتباط سبب می‌شود که آن غسل، عنوانی به مأموریه بدهد که مأموریه به برکت آن عنوان برای مولی، حسن بشود و به این ترتیب روزه زن مستحاضه به برکت این اضافه، عنوان حسن را پیدا می‌کند و مطلوب مولی می‌شود.

پس اگر شرطِ مأموریه را خود غسلِ خارجی متأخّر بگیریم این جا اشکال باقی است که يك شیء متأخّر که از اجزاء علّت تامه است چگونه ممکن است زمانا از معلول خودش مؤخّر باشد؟ ولی طبق این تحقیق، شرط، خود آن اضافه و انتساب است و اضافه هم الآن موجود است، یعنی: این صوم الآن متصف به وصف اضافه است و این روزه بالااضافه به آن غسل الآن وجود دارد.

بنابراین چیزی که شرط مأموریه است همیشه همراه و مقارن با مأموریه است؛ پس به هیچ وجهی شرط متأخّر نداریم.

تا این جا مرحوم آخوند زحمت کشید و تحقیقی ارائه داد که آن چه که شرط است، وجود خارجی متقدّم و متأخّر نیست؛ بلکه شرط عبارت از اضافه و نسبت به اینها است و این اضافه و انتساب - مثل تعقّب در بحث اجازه - هم همراه با مأموریه است.

حال این سؤال مطرح است که اگر گفتید: شرط، همان اضافه است؛ پس آن شیء خارجی چه نقشی دارد؟

آخوند می‌گوید: اگر آن شیء خارجی که متأخّر است در محلّ خودش حادث نشود این اضافه هم حاصل نمی‌شود.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ